

به طور کامل خانه‌نشین شده‌ام

آتش تقی‌پور بازیگر پیشکسوت سینما و تلویزیون پیرامون وضعیت فعلی سینما بعد از شیوع موج تازه بیماری کرونا گفت: متأسفانه بعد از شیوع بیماری کرونا اوضاع سینما بدتر از قبل شد، از سویی وضعیت سینما خوب پیش نمی رفت و از سویی تعطیلی سالنهای سینما و تولیدات باعث شد تا بسیاری از عوامل جل و پشت دوربین سینما بیکار شوند. بازیگر فیلم سینمایی «خروج» درباره فعالیت‌های خود در عرصه بازیگری گفت: در حال حاضر به طور کامل خانه‌نشین هستم، شرایط سنی من اجازه نمی‌دهد

تحلیلی بر اظهارات مهدی رجبی در باره آنچه می تواند موجب ترقی فرهنگ نوشتاری زبان فارسی شود

آفتاب یزد – گروه فرهنگی: گزارش امروز را با چند پرسش مهم آغاز می کنیم. به نظر شما ادبیات و زبان فارسی چه نقشی در زندگی ما ایرانیان دارد؟ ادبیات کشورهای دیگر چطور؟ به سخن ساده تر هنگامی که یک فرد ایرانی مشغول مطالعه کتابی مانند «کلید» محمود دولت آبادی می شود چه احساسی به او دست می دهد؟ با شخصیت ها همذات پنداری می کند؟ بالوکیشن ها ارتباط حسی برقرار می کند؟ خود را در لایه های پر پیچ و خم داستان حس می کند و با هر دیالوگی ارتباط عاطفی برقرار می کند؟ در زمانی که یکی از شخصیت های داستان مورد ظلم قرار می گیرد، دلش برای او می سوزد؟ حال به همین سوالات درباره مطالعه یک رمان خارجی پاسخ دهید. مثلا هنگامی که یک فرد ایرانی مشغول مطالعه رمان «صد سال تنهایی» گابریل مارکز است، در آن صورت در هنگام مطالعه خط به خط و ورق به ورق کتاب، دروشت دچار همان فعل و انفعالات عاطفی خواهد شد که هنگامی که رمان ایرانی مطالعه می کند، دچارش می شود؟ اگر این موارد را برای یک فرد خارجی بخواهیم بررسی کنیم به چه پاسخ هایی خواهیم رسید؟ به نظر شما پاسخ های این دو گروه چه تفاوت های با هم خواهد داشت؟ بی شک تفاوت می تواند زیاد باشد، می تواند معمولی باشد و حتی می تواند بسیار جزئی باشد. شاید این موضوع از خصوصیات منحصر به فرد ادبیات باشد و شاید بتوان ادعا کرد که در میان حوزه های مختلف فرهنگی این تنها ادبیات باشد که از چنین ویژگی خاصی برخوردار است. این درست که حوزه هایی مانند موسیقی در هر نقطه ای از جهان حرف های مرتبط با فرهنگ آن منطقه را بیان می کنند، اما نیک اگر بنگریم شالوده اصلی موسیقی صدایی است که از سازها و حنجره ها بیرون می آید، بنابراین می توان چنین استنباط کرد که هنری مانند موسیقی، هنری جهانشمول است، با این مفهوم که اگر شخصی در ایران مثلا به موسیقی «پاتی» گوش می کند همان لذتی را خواهد برد که فردی در کشور سوئد با گوش کردن به آهنگهای این نوازنده چیره دست می برد و اگر تفاوتی هم وجود داشته باشد، تفاوت در نوع نگاه ما خواهد بود در حالیکه در کلیت ماجرا تفاوتی وجود ندارد و حظ شنیداری که از صدای موسیقی یانی برده می شود برای فرد ایرانی و فرد سوئدی تفاوتی ندارد. در حالی که ادبیات اینگونه نیست، به مفهوم دیگر کلمه، ادبیات حوزه ای است که آثار تولید شده در آن صدای بارز ضرب المثل «هر کسی از ظن خود شد یار من» هستند، یعنی میان نوع نگاه و برداشتی که از خواندن رمان «صدسال تنهایی» مارکز نصیب یک فرد ژاپنی و یک فرد فرانسوی می شود، فاصله زیاد، متوسط و گاه جزئی وجود خواهد داشت. این درست است که واژه ها تقریبا یک چیز (داستان) را بیان می کنند اما قسط به قسط همه چیز به واژه ها ختم نمی شود و موارد دیگری وجود دارد که موجبات ایجاد فاصله های بیان شده را به وجود می آورند. اما آنچه مهم است و باید مورد توجه قرار گیرد این است که با تمام فاصله هایی که بین ادبیات سرزمین های مختلف وجود دارد نمی توان منکر تنگاتنگی که این ادبیات ها پتانسیل برقراری آن را با یکدیگر دارند، شد. یکی دیگر از ویژگیهای حوزه ادبیات این است که در آن احتمال همکاری تقریبا صفر است به این مفهوم که در طول تاریخ نمی توان کتابی را پیدا کرد که مثلا سه نویسنده برجسته دنیا با همکاری یکدیگر آن را به رشته تحریر درآورده باشند، این در حالیست که مثلا در حوزه موسیقی کنسرت ها و آلبوم های مختلفی اجرا و تولید شده اند که در آنها موسیقیدانان کشورهای مختلف کنار هم نشسته اند و با همکاری یکدیگر آن محصولات خاص را در حوزه موسیقی تولید کرده اند. بنابراین می توان چنین استنباط کرد که ادبیات در عین اینکه موضوعی گسترده است، اما محصولی فردی به حساب می آید به این مفهوم که مثلا در نگارش یک رمان یک نویسنده وجود دارد و نه بیشتر. در حالیکه موسیقی با اینکه می تواند موضوعی فردی باشد اما این امکان را دارد که محصولی جمعی تولید کند. خصوصیت ذکر شده برای حوزه ادبیات اما به این معنی و مفهوم نیست که ادبیات فضایی بسته را شامل می شود که احتمال هیچ تعامل و تبادل فرهنگی میان افراد در سرزمین های مختلف در آن وجود نداشته باشد. همانطور که پیشتر بیان کردیم احتمال همکاری در تولید یک اثر ادبی مانند یک رمان یا دیوان شعر در میان افراد مختلف وجود ندارد اما این موضوع دلیل نمی شود که امکان همفکری افراد مختلف نیز در این وجود نداشته باشد. اتفاقا چنین امکانی وجود دارد و نام خاصی هم برای آن برگزیده اند، نام خاصی تحت عنوان «مد». در نگاه عامیانه به این مفهوم است که مثلا من به عنوان یک نویسنده که

که ریسک کنم و سر کار خاصی بروم، در هر صورت نمی توان کرونا را شوخی گرفت. وی در همین راستا ادامه داد: برای بازی چند پیشنهاد خوب داشتم، اما همه آنها اکثرا به دلیل شیوع بیماری کرونا متوقف شده‌اند و منتظرند تا با عادی تر شدن وضعیت سلامت جامعه بار دیگر تولید و با پیش تولید را آغاز کنند، کرونا بد دامری از روزگار تولیدات در آورده و این مشکلات همچنان ادامه دارد. بازیگر سریال «ستایش» در همین راستا ادامه داد: در شرایط فعلی



تا آنجا که شنیدم اکثر فیلم‌هایی که اکران شده اند فروش کمی داشته اند که البته طبیعی است، کسی جرات به سالن سینما رفتن را به خودش نمی‌دهد، ما برای ادامه کار سینما نیاز به فکر بیشتری داریم و اگر نه با ورشکستگی کامل این هنر روبرو می‌شویم. به گزارش میزان، وی اضافه کرد: ما و تمام جامعه باید رعایت کنیم. شاید رعایت برخی نکات بهداشتی کمی سخت به نظر برسد اما واقعا چاره ای نیست.

آفتاب یزد – گروه فرهنگی: گزارش امروز را با چند پرسش مهم آغاز می کنیم. به نظر شما ادبیات و زبان فارسی چه نقشی در زندگی ما ایرانیان دارد؟ ادبیات کشورهای دیگر چطور؟ به سخن ساده تر هنگامی که یک فرد ایرانی مشغول مطالعه کتابی مانند «کلید» محمود دولت آبادی می شود چه احساسی به او دست می دهد؟ با شخصیت ها همذات پنداری می کند؟ بالوکیشن ها ارتباط حسی برقرار می کند؟ خود را در لایه های پر پیچ و خم داستان حس می کند و با هر دیالوگی ارتباط عاطفی برقرار می کند؟ در زمانی که یکی از شخصیت های داستان مورد ظلم قرار می گیرد، دلش برای او می سوزد؟ حال به همین سوالات درباره مطالعه یک رمان خارجی پاسخ دهید. مثلا هنگامی که یک فرد ایرانی مشغول مطالعه رمان «صد سال تنهایی» گابریل مارکز است، در آن صورت در هنگام مطالعه خط به خط و ورق به ورق کتاب، دروشت دچار همان فعل و انفعالات عاطفی خواهد شد که هنگامی که رمان ایرانی مطالعه می کند، دچارش می شود؟ اگر این موارد را برای یک فرد خارجی بخواهیم بررسی کنیم به چه پاسخ هایی خواهیم رسید؟ به نظر شما پاسخ های این دو گروه چه تفاوت های با هم خواهد داشت؟ بی شک تفاوت می تواند زیاد باشد، می تواند معمولی باشد و حتی می تواند بسیار جزئی باشد. شاید این موضوع از خصوصیات منحصر به فرد ادبیات باشد و شاید بتوان ادعا کرد که در میان حوزه های مختلف فرهنگی این تنها ادبیات باشد که از چنین ویژگی خاصی برخوردار است. این درست که حوزه هایی مانند موسیقی در هر نقطه ای از جهان حرف های مرتبط با فرهنگ آن منطقه را بیان می کنند، اما نیک اگر بنگریم شالوده اصلی موسیقی صدایی است که از سازها و حنجره ها بیرون می آید، بنابراین می توان چنین استنباط کرد که هنری مانند موسیقی، هنری جهانشمول است، با این مفهوم که اگر شخصی در ایران مثلا به موسیقی «پاتی» گوش می کند همان لذتی را خواهد برد که فردی در کشور سوئد با گوش کردن به آهنگهای این نوازنده چیره دست می برد و اگر تفاوتی هم وجود داشته باشد، تفاوت در نوع نگاه ما خواهد بود در حالیکه در کلیت ماجرا تفاوتی وجود ندارد و حظ شنیداری که از صدای موسیقی یانی برده می شود برای فرد ایرانی و فرد سوئدی تفاوتی ندارد. در حالی که ادبیات اینگونه نیست، به مفهوم دیگر کلمه، ادبیات حوزه ای است که آثار تولید شده در آن صدای بارز ضرب المثل «هر کسی از ظن خود شد یار من» هستند، یعنی میان نوع نگاه و برداشتی که از خواندن رمان «صدسال تنهایی» مارکز نصیب یک فرد ژاپنی و یک فرد فرانسوی می شود، فاصله زیاد، متوسط و گاه جزئی وجود خواهد داشت. این درست است که واژه ها تقریبا یک چیز (داستان) را بیان می کنند اما قسط به قسط همه چیز به واژه ها ختم نمی شود و موارد دیگری وجود دارد که موجبات ایجاد فاصله های بیان شده را به وجود می آورند. اما آنچه مهم است و باید مورد توجه قرار گیرد این است که با تمام فاصله هایی که بین ادبیات سرزمین های مختلف وجود دارد نمی توان منکر تنگاتنگی که این ادبیات ها پتانسیل برقراری آن را با یکدیگر دارند، شد. یکی دیگر از ویژگیهای حوزه ادبیات این است که در آن احتمال همکاری تقریبا صفر است به این مفهوم که در طول تاریخ نمی توان کتابی را پیدا کرد که مثلا سه نویسنده برجسته دنیا با همکاری یکدیگر آن را به رشته تحریر درآورده باشند، این در حالیست که مثلا در حوزه موسیقی کنسرت ها و آلبوم های مختلفی اجرا و تولید شده اند که در آنها موسیقیدانان کشورهای مختلف کنار هم نشسته اند و با همکاری یکدیگر آن محصولات خاص را در حوزه موسیقی تولید کرده اند. بنابراین می توان چنین استنباط کرد که ادبیات در عین اینکه موضوعی گسترده است، اما محصولی فردی به حساب می آید به این مفهوم که مثلا در نگارش یک رمان یک نویسنده وجود دارد و نه بیشتر. در حالیکه موسیقی با اینکه می تواند موضوعی فردی باشد اما این امکان را دارد که محصولی جمعی تولید کند. خصوصیت ذکر شده برای حوزه ادبیات اما به این معنی و مفهوم نیست که ادبیات فضایی بسته را شامل می شود که احتمال هیچ تعامل و تبادل فرهنگی میان افراد در سرزمین های مختلف در آن وجود نداشته باشد. همانطور که پیشتر بیان کردیم احتمال همکاری در تولید یک اثر ادبی مانند یک رمان یا دیوان شعر در میان افراد مختلف وجود ندارد اما این موضوع دلیل نمی شود که امکان همفکری افراد مختلف نیز در این وجود نداشته باشد. اتفاقا چنین امکانی وجود دارد و نام خاصی هم برای آن برگزیده اند، نام خاصی تحت عنوان «مد». در نگاه عامیانه به این مفهوم است که مثلا من به عنوان یک نویسنده که

تعاملات و تبادلات ادبی



با تمام فاصله هایی که بین ادبیات سرزمین های مختلف وجود دارد نمی توان منکر ارتباط تنگاتنگی که این ادبیات ها پتانسیل برقراری آن را با یکدیگر دارند، شد

تعامل و تبادل بین فرهنگها هیچ اشکالی ندارد چرا که هر کشوری در کنار توجه به داشته های خود نیم نگاهی به داشته های مثبت و قابل بهره برداری فرهنگ های دیگر انداخته و آنها را مورد بهره برداری قرار می دهد، آن هم نه به صورت کیبی نعل به نعل، بلکه با متناسب کردن آن موارد با ویژگیهای فرهنگی، قومی و قبیله ای سرزمین خودش

قطع به یقین باید از دایره مطالعاتی گسترده ای برخوردار باشیم در نوشتن و خلق یک اثر هنری از شیوه های مختلفی که نویسندگان دیگر (ایرانی یا جهانی) در آثارشان از آنها استفاده کنند، استفاده کنیم. یعنی از تفکرت آنها، شیوه نگارش، از جهان بینی وایدئولوژی و حتی برخی واژه هایشان در خلق اثر خود بهره ببرم، مثلا یک نویسنده ایرانی برای اینکه داستانش مخاطب پذیرتر باشد، سبک نوشتاری اش را به سمت سبک نوشتاری نویسنده بزرگ و صاحب نامی می برد که کتابهایش مخاطب زیادی دارد. برای درک بیشتر مد و مدگرایی در ادبیات که در این گزارش از آن به عنوان تعامل و تبادل ادبی یاد کرده ایم، به سراغ بخش هایی از اظهارات مهدی رجبی نویسنده و مترجم ادبیات کودک و نوجوان که چندی پیش در گفتگویی آنها را بیان کرده بود رفته و سخنانش را مورد بررسی قرار داده ام تا دریابیم که درودمان چه تفاوتی که از آن به عنوان مدگرایی در ادبیات تعبیر می شود اتفاق خوبی است و می تواند در پیشرفت ادبیات در سرزمینهای مختلف مفید واقع شود یا خیر؟

● باید ابتدا مد را تعریف کنیم و بگوییم آیا خوب است یا نه؟ و از طرف دیگر باید توجه کنیم که درودمان چه قالب‌های جدیدی داریم که دیگران ندارند و الان داشته‌های‌مان را نادیده گرفته و سراغ آنها رفته‌ایم. اگر نداشته باشیم پس ما هم مثل تمام جهان نیازمند جریان های تازه‌ایم.

همه ما باور داریم که به لحاظ اجتماعی در جهان مد زده قرار داریم، تا یک خواننده یا هنرپیشه لباس خاص، آرایش خاص و حتی نوع راه رفتن خاصی را برای خود برمی گزیند، به این دلیل که یک سلبریتی است و زیر نگاه های ذره بینی و موشکافانه قرار دارد همه از تبعیت می کنند و آنگونه که او لباس پوشیده، آرایش کرده و رفتار می کند، لباس می پوشند، آرایش کرده و رفتار می کنند. بدون اینکه به این بیندیشند که فرهنگ، سبک، اصول و روش زندگی خودشان چگونه است، همه چیز را کنار می گذارند و می شوند کیبی برابر بااصل آن سلبریتی خاص. این یعنی هویت ها به لحاظ اجتماعی فراموش شده است. بارها رخ دادن چنین اتفاقی را در افراد مختلف خصوصی ایرانی ها دیده ایم، قبول ندارید؟ این اتفاق هرچند اشتباه اما به کرات در حوزه مسائل و موضوعات اجتماعی رخ داده و می دهد. اما آنچه در حوزه فرهنگ (خصوصا ادبیات) باید مد نظر داشت و مهدی رجبی هم به آن تاکید دارد این است که ادبیات آوردگاهی نیست که بشود در آن به مفهوم مطلق کلمه دست به مدگرایی زد و هر آنچه نویسندگان دیگر دارند مورد استفاده قرار داد. به همین دلیل در این گزارش از عبارت تعامل و تبادل ادبی به جای مد و مدگرایی استفاده کردیم. تعامل و تبادل بین فرهنگها هیچ اشکالی ندارد چرا که هر کشوری در کنار توجه به داشته های خود نیم نگاهی به داشته های مثبت و قابل بهره برداری فرهنگ های دیگر انداخته و آنها را مورد بهره برداری قرار می دهد، آن هم نه به صورت کیبی نعل به نعل، بلکه با متناسب کردن آن موارد با ویژگیهای فرهنگی، قومی و قبیله ای سرزمین خودش. حسن انجام چنین تعامل و تبدالی این است که

پلکان «ایفل» حراج شد

یک بخش ۱۴ پله‌ای از پلکان ماریج برج ایفل روز سه‌شنبه ۱۱ آذر در حراجی آرت کیوریل پاریس به حراج گذاشته شد.
به گفته متولیان حراجی، این پلکان به قیمت ۲۳۴ هزار و ۴۷۵ دلار فروخته شد که ۱۰ برابر قیمت تخمینی بود.
پلکان فروخته شده حدودا ۳ متر ارتفاع داشت و بخشی از پلکان اولیه برج ایفل بود که تا سال ۱۹۸۳ و پیش از نصب آسانسور، نزدیک به یک قرن، طبقه دوم و سوم این برج را به هم وصل می کرد.
به گزارش ایرنا از خبرگزاری فرانسه، این پلکان بعدها از برج خارج شده و به ۲۴ قسمت تقسیم شد؛ ۲۰ قطعه آن به مجموعه‌داران خصوصی فروخته شد، ۳ قطعه به موزه‌های فرانسه رفتند و آخرین تکه نیز در اولین طبقه برج ایفل، معروف به بلوی آهنین به نمایش گذاشته شد.

فرید سجادی حسینی:

ماداغداران بی سوگ هستیم



فرید سجادی حسینی بازیگر سینما و تلویزیون با اشاره به وضعیت کرونایی کشور بیان کرد: در همه کارهایی که من اخیرا حضور داشتم، پروتکل‌های بهداشتی به صورت کامل رعایت شده بود ولی در عین حال می‌شنوم که همه ادعا می‌کنند این موارد بهداشتی را رعایت می‌کنند اما بعد می‌بینیم که پروتکل‌ها به طور کامل رعایت نشده‌اند البته همانطور که گفتم من با چنین امری مواجه نشده‌ام.

به نظر نمی‌شود جلوی این بیماری را گرفت اما می‌شود با رعایت موازین بهداشتی راه انتقال آن را سخت کرد، نمی‌شود

usef.poet@gmail.com

فرهنگی



پنجشنبه ۱۳ آذر ۱۳۹۹ • شماره ۵۸۹۳

بمانی «ملکه گدایان» می خواند

روزبه بمانی تیتراژ «ملکه گدایان» را به کارگردانی حسین سهیلی زاده می‌خواند. **بمانی** پیش از این تجربه خوانندگی فیلم های سینمایی «بدون تاریخ، بدون امضا» ساخته وحید جلیلود و «لاناری» محمد حسین مهدویان را در کارنامه خود دارد و این اولین بار است که در شبکه نمایش خانگی، تیتراژ سریالی با صدای روزبه بمانی شنیده خواهد شد. به گزارش صبا، فیلمنامه «ملکه گدایان» را حامد افضلی و امین محمودی نوشته اند.

آفتاب **رویدادهای هنری**

«کردا» انیس الدوله شد

انتخاب بازیگران سریال نمایش خانگی «اهوی من مارال» ادامه دارد و الهام کردا جدیدترین بازیگر این اثر، نقش انیس الدوله را ایفا خواهد کرد. انیس‌الدوله همسر مورد علاقه و سوگی ناصرالدین‌شاه قاجار، پادشاه ایران بود و مقام او بر سایر همسران ناصرالدین شاه برتری داشت. پیش از این حسن معجونی برای ایفای نقش ناصرالدین شاه قاجار با این پروژه قرارداد بسته است. به گزارش فارس، ناصرالدین شاه، دست به ماشه برده تا آهوی صید کند که آهو چشمنی، چون باد از راه رسیده و چون برقی می‌گذرد و به دنبالش حال سلطان، صاحبقران می‌شود و…



«مادر» شنیدنی شد

سونیا در آستانه سالروز درگذشت علی و فقط از پوسته تبعیت کنید، وگرنه به خودی خود ابرازی ندارد. متأسفانه خیلی وقت‌ها این اتفاق می‌افتد که نویسنده ابتدا قالب را پیدا می‌کند و می‌خواهد درون آن چیزی بریزد، نتیجه این شیوه مفید و اثر گذار نخواهد بود زیرا زیرساخت ادبیات تفکر است و اگر زیرساخت فکری نباشد، فرد اندیشه را نشناسد و برایش درونی و ملموس نباشد بی‌حاصل است

حلال فرض کنید که آنچه مد نظر مهدی رجبی است، رخ ندهد و یک نویسنده کتاب جدیدش را بر اساس سبک نوشتاری و داستان سرايي یک نویسنده دیگر خلق کند، مسلم است که چنین نوشته ای هر چند به داستان او به رشته تحریر در آمده ولی متعلق به او نیست، چون از محتوای جدیدی که نویسنده باید در آن قرار می داده، خبری نیست، همه چیز، راه و روش و منش کتابهای نویسنده ای که از روی آثارش کیی برداری شده را بیموده است. رجیبی می گوید استفاده از مد یا قالب ادبی اگر در چارچوب معمولی اش با هدف تعامل و تبادل ادبی صورت پذیرد هیچ اشکالی ندارد، اما اگر بخواهد همه چیز را به سبک و سیاق نویسنده ای که از روی آثار او کتابش را به رشته تحریر در بیاورد، راه درستی را نپیموده، تازه استفاده از چارچوب هم باید آگاهانه و کاملا خلاقانه صورت گیرد اگر نه حتی در صورتی که نویسنده بخواهد در ادامه خودش فرمان نوشتن را به دست بگیرد باز هم با مشکل مواجه خواهد شد. چرا که آن اثر از ابتدا به صورت اندیشمندانه و متفکرانه پایه ریزی نشده بنابراین مسلم است که در چنین شرایطی تا ثریا می رود دیوار کج.

● ادبیات به بویایی ذهن، هوشمندی، شاخک تیز و مشاهده‌گری نیاز دارد. به نویسنده‌ای که بتواند بین فرم و محتوا تعامل و پیوند سازنده برقرار کند در این صورت فرمها و مدهای او تهدیدگر چیزی نخواهند بود و به گسترده دردم آگاهانه و مخاطبان کمک خواهند کرد مهدی رجبی در این بخش از اظهاراتش بیان می کند که تعامل و تبادل ادبی یک نویسنده با آثار ادبی نویسندگان دیگر بسیار مهم است و اتفاقا شاید ضروری هم به نظر برسد، اما آنچه اهمیت بیشتری دارد این است که نویسنده مورذنظر که می خواهد دست به خلق یک اثر هنری با استفاده از تعامل و تبادل ادبی بزند، ذهن پویا و خلاق داشته باشد، از هوش سرشاری برخوردار باشد، نشانه ها و المانهای موجود در فرهنگ جامعه ای که در آن زندگی می کند را بشناسد، علاوه بر این فاکتورهای فرهنگی-سرزمینی را می خواهد از اثر نویسنده اش برای بهترشدن نوشته خود بهره بگیرد، را نیز بشناسد و به شباهت ها و تفاوت های میان این دو فرهنگ گاهی داشته باشد و از همه مهمتر فرم و محتوا را کاملا بلد باشد و بتواند پیوند واژگانی، مفهومی، روایتی و مخاطبی را بین آنها برقرار کند. رجبی بیان می کند که اگر تمام این موارد توسط نویسنده مورد نظر که می خواهد دست به خلق اثر ادبی جدیدی بزند رعایت شود، نه تنها مدگرایی و به عبارتی تعامل و تبادل ادبی اصلا مضر نیست، بلکه می تواند حسن های بیشماری داشته باشد که یکی از آنها گسترده شدن دایره مخاطبان اثری که خلق می شود، است.

مهلت اسکار پایان یافت

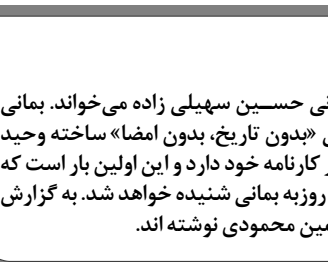
مهلت معرفی فیلم‌های بلند بین‌المللی به آکادمی علوم و هنرهای سینمایی برای رقابت در نود و سومین دوره جوایز اسکار، سه‌شنبه اول دسامبر (۱۱ آذر) به پایان رسید. در چند روز گذشته هشت کشور دیگر نمایندگان خود را معرفی کردند تا تعداد رقبای این بخش در دوره پیش رو – برابر با آنچه رسانه‌ای شده است – به ۸۴ فیلم برسد. آکادمی در چند روز آینده فهرست کامل و نهایی شرکت‌کنندگان در بخش فیلم بلند بین‌المللی جوایز اسکار ۲۰۲۱ را منتشر می‌کند. نود و سومین دوره جوایز اسکار ۲۵ آوریل ۲۰۲۱ (دوشنبه ۶ اردیبهشت ۱۴۰۰) در دالبی تئاتر در هالیوود، لس آنجلس برگزار می‌شود. به گزارش هنر آنلاین، این مراسم قرار بود ۲۸ فوریه (دوم‌شنبه ۱۱ اسفند ۱۳۹۹) برگزار شود، اما دو ماه به تعویق افتاد.

همه چیز را تعطیل کرد چون این کار به معنای از دست دادن همه چیزهایی است که در این سال‌ها به سختی ساخته شده و به دست آمده است بنابراین نمی‌شود همه چیز را رها کرد اما می‌شود اجرای پروتکل‌ها را سخت‌گیرانه‌تر و جدی‌تر دنبال کرد تا اتفاقات ناخوشایند کمتری رخ دهد. همه ما مسئول وضع موجود هستیم پس نمی‌شود گفت در حال حاضر جریان، از گان و تفکر خاصی مسئول این وضعیت است. به گزارش مهر، این بازیگر در پایان با اشاره به هنرمندانی که در این مدت بر اثر ابتلاء به کرونا درگذشته‌اند، گفت: ما گوهرهای گرانبهایی را در این مدت از دست داده‌ایم که رفتن آن‌ها فاجعه بزرگی بود. ما داغدارهایی هستیم که به علت این شرایط حتی نمی‌توانیم در سوگ عزیزانمان شرکت کنیم به همین دلیل باید هم مراقب خودمان و هم مراقب دیگران باشیم.



«نافرمان» اینترنتی شد

مستند «نافرمان» به کارگردانی امیر منیری با موضوع رفتار درست والدین با کودکان عرضه اینترنتی شد. به گزارش مهر، «نافرمان» روایتی از روش درست رفتار والدین با کودکان و تربیت صحیح آنان است. یک میلیون کودک نافرمان در ایران وجود دارد که تنها با رعایت نکاتی توسط والدین‌شان می‌توانند به درستی و به دور از هرگونه خشونت تربیت شوند.



لشکر کشیدن زال سوی افراسیاب

بزد مهره در جام بر پشت پیل ازو بر شد آواز تا چند میل بر آمد ز زاولستان رستخیز زمین خفته را بانگ بر زد که خیز بپیش اندرون رستم پهلوان پس پشت او سالخورده گسون چنان شد ز لشکر در و دشت و راغ که بر سر نیارست پزید زاغ تیربه زدندی همی شست جای جهان را نه سر بود پیدا نه پای بهنگام بشکوفه گلستان بیآورد لشکر ز زابلستان ز زال آگهی یافت افراسیاب بر آمد ز آرام و از خورد و خواب بیآورد لشکر سوی خوار ری بران مرغزاری که بد آب و نی ز ایران بیامد دسام سپاه ز راه بیابان سوی رزمگاه ز لشکر بلشکر دو فرسنگ ماند سپهد جهان دیدگان را بخواند بدیشان چنین گفت کای بخردان جهان دیده و کارکرده ددان هم ایدر من این لشکر آراستم بسی سروری و مهی خواستم پراگنده شد رای بی تخت شاه همه کار بی‌روی و بی‌سر سپاه چو بر تخت بنشست فرخنده زو ز گیتی یکی آفرین خاست نو شکی یو باو رنگ دارد ز می که بی‌سر نباشد تن آدمی نشان داد موبد مرا در زمان یکی شاه با فرّ و بخت جوان

آفتاب **کوتاه‌از هنر**

عبدالله اسکندری کرونا گرفت

عبدالله اسکندری چهره پرداز سینما و تلویزیون ایران به تازگی درگیر ویروس کرونا شده است. این گریمر پیشکسوت در این باره بیان کرد: چند روز است که درگیر این بیماری هستم و از طریق اسکن ره منجه بیماری. وی در ادامه درباره اینکه باید به بیمارستان مراجعه کند یا در منزل بستری باشد توضیح داد: فعلا بیماری خفیف و سبک است و در منزل در حال قرنطینه هستم. به گزارش مهر، اسکندری در پاسخ به این سوال که این اوخار آیا مشغول به کاری هم بوده است یا خیر؟ گفت: چندی پیش درگیر فیلم سینمایی حمیدرضا آژنگ بودم که تولید آن پیش از این‌ها به پایان رسیده بود و این روزها کار دیگری ندارم.



«ترو» سریال می سازد

شارلیز ترون به همراه کمپانی تحت رهبری اش «نور اند دلپله پروداکشنز» با HBO و Max قرار داد دو ساله امضا کرد. ترون و شرشکاش قرار است در قالب این قرارداد پروژه های جدیدی را برای شبکه کابلی و سرویس استریم HBO بسازند. به گزارش صبا، بازیگر برنده اسکار درباره این همکاری گفت: فکر می‌کنم واقعا تبدیل به یک تهیه کننده شده ام چون من عاشق ظرافت داستان سرایی هستم.

جایزه برای پوران درخشنده

سیزدهمین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم «گلوبال» با آثار کارگردان ۸۰ کشور، در روزهای ۶ تا ۸ آذر ماه جاری (۲۶ تا ۲۸ نوامبر ۲۰۲۰) به صورت آنلاین در کشور هندوستان برگزار شد. پوران درخشنده که با تمام آثار سینمای‌اش به نمایندگی از سینمای ایران در این رویداد سینمایی حضور داشت، به دلیل تلاش‌های صادقانه در طی سال‌های مابوم کار در حوزه سینما و در ارتباط با مردم، جایزه این دوره جشنواره را از آن خود کرد. به گزارش آنا، مراسم اختتامیه سیزدهمین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم «گلوبال» در روز جمعه ۷ آذر ماه جاری (۲۷ نوامبر ۲۰۲۰) در کشور هندوستان برگزار و جوایز این دوره به بردگان بخش‌های مختلف اهدا شد.

